

قسطنطنیه در آتش

امیر عشیری

www.ketab.ir

سرشناسه	: عشیری، امیر، ۱۳۰۳-
عنوان و نام پدیدآور	: قسطنطنیه در آتش/نویسنده امیر عشیری.
مشخصات نشر	: تهران: سمیر، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: [۲۳۲] ص.
شابک	: 978-964-220-088-7
وضعیت فهرست نویسی	: فسا
موضوع	: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	: استانبول-- تاریخ -- محاصره، ۱۲۵۳م-- داستان
رده بندی کنگره	: ۵۱۳۹۰ق۹۲ش/ PIR۸۱۵۱
رده بندی دیویی	: ۸۹۳/۶۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۰۹۳۳۱۱



ناشر	: سمیر
عنوان	: قسطنطنیه در آتش
نویسنده	: امیر عشیری
چاپ اول	: ۱۳۹۰
تعداد	: ۱۰۰۰
چاپ	: تاجیک
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۰-۰۸۸-۷

خیابان اردیبهشت، کوچه وحید، شماره ۳، طبقه ۴، تلفن ۶۶۴۱۳۷۲۶-۶۶۹۶۰۶۰۳

www.samirpublication.com

بها: ۹۰۰۰ تومان

امیر عشیری نویسنده روزهای شور و اشتیاق نسل‌هایی است که با توصیفات زیبا، با صحنه‌های دل‌نشین و ماجراهای شورانگیز رویداده‌اند و بالیده‌اند و کلمه با همه وزانت و شوریدگی‌اش، با همه تصویرسازی و شوق‌آفرینی‌اش در جان‌شان لانه کرده، عشق آفریده، مهر پرورده و آنان را به قله‌یی دل‌نشین فارغ از کثری‌ها و کاستی‌ها فراخوانده است.

و امیر عشیری نشان داد که نویسنده یک نسل یا دو نسل نیست، نویسنده دهه‌های سی و چهل نیست که نویسنده همه عصرها و نسل‌هاست.

داستان تاریخی و پرشور «قسطنطنیه در آتش»، زمانی است تاریخی و پرهیجان و آکنده از تصویرهایی دل‌نشین از سرزمینی در همسایگی ما که دیرینه‌سالی نماینده فرهنگ و سنت‌های ایرانیان نیز بوده است. و داستان «شلیک خاموش» زمانی است پلیسی که

خواننده را ساعت‌ها جدا می‌سازد از همه‌ی روزگار
خود و می‌برد او را به دنیایی پر رمز و راز که همه چیز در
هاله‌ی از هیجان فرو رفته است.

و با این انگیزه این دو داستان زیبا را در کنار یک دیگر، در
یک مجلد آورده‌ایم تا گستره عظیم و بی‌انتهای ذهن
خلاق و شورآفرین نویسنده‌ی را به تماشا بگذاریم که
در هر قلمروی که گام نهاده، در اوج جای گرفته است.

www.ketab.ir

پیش نوشتار

شاه طهماسب دوم، پسر شاه سلطان حسین، شاه مملوک صنوی، پس از آنکه در ایروان از قوای ترک به فرماندهی علی پاشا سرعسکر آن ایالت، شکست می خورد، به سرعت عقب نشینی می کند. ولی علی پاشا، دشمن شکست خورده را رها نمی کند و به تعقیب او می پردازد. قوای طرفین در نزدیکی شهر اسدآباد، در حوالی رود ارس به جنگی خونین کشیده می شوند، سرانجام شاه طهماسب برای دومین بار طعم تلخ شکست را می چشد و به این فکر می افتد که از تصرف شهر تبریز چشم پیوشد و همدان را از حمله احتمالی قوای ترک نجات دهد.

قوای ایران در سپتامبر ۱۷۳۱ به دشتنای همدان می رسد و با قوای ترک تازه نفس که از سوی بغداد وارد ایران شده بود روبرو می شود و جنگ سختی میان دو طرف در می گیرد و در نتیجه، ترکها پیروز می شوند و شاه طهماسب با قوای پراکنده خود به قزوین باز می گردد و به دولت عثمانی پیشنهاد مذاکره صلح می دهد. مذاکرات میان طرفین منجر به عقد قرارداد صلح می شود.

هم این وقایع در زمانی اتفاق می افتد که طهماسبقلی خان در شرق ایران به فتوحاتی نایل گردیده بود و همین که خبر عقد قرارداد صلح شاه طهماسب با دولت عثمانی منتشر می شود، وی این قرارداد را ننگ آور می داند و آن را به رسمیت نمی شناسد.

در طول این جنگها، ناگهان اوضاع داخلی ترکیه عثمانی در نتیجه انقلاب دگرگون

می‌شود و ترک‌ها از ترس اینکه با طهماسب‌قلی خان که در آن ایام سرگرم تصرف هرات بود، روی در روی نشوند از پیشنهاد صلح شایطهماسب - با توجه به شکست‌های پی‌درپی که بر او وارد کرده بودند - استقبال کردند.

این مختصر، صرفاً به منظور تقارن رویدادهای ایران با انقلاب قسطنطنیه، بیان گردید. انقلابی که به رهبری «پاترونا» شعله‌ور شد و در کوتاه مدت، نه فقط شهر قسطنطنیه پایتخت سلاطین عثمانی را به خون و آتش کشید، بلکه سلطان را از اریکه قدرت به‌زیر افکند و حوادث و ماجراهایی را به دنبال داشت که فصلی از تاریخ امپراتوری عثمانی را که به خون آغشته بود، به خود اختصاص داد.

از آنجا که پاترونا، از سپاه «بنی چری» بود، بی‌مناسبت نیست که در این باره شرحی به اختصار بیان شود. بنی چری، کلمه‌ای است ترکی (بنی به معنای جدید و چری، به معنای سپاه است) سپاه بنی چری که از قرن چهاردهم میلادی به بعد، در ارتش قدیم عثمانی، شکل گرفت، سپاهی بود از جوانان مسیحی که به گروگان گرفته می‌شده و تحت تعالیم سخت نظامی و انضباطی قرار می‌گرفتند. تعالیم و انضباط افراد این سپاه، چنان خشک و آمیخته به خشونت بود، که رفته رفته قدرتی به دست آوردند. سپاه بنی چری تا بدانجا صاحب قدرت شد که در عزل و نصب سلاطین عثمانی دخالت می‌کرد. در قرن هفدهم میلادی، عضویت در این سپاه جنبه موروثی گرفت و از انحصار جوانان مسیحی خارج شد و جوانان مسلمان نیز به آن راه یافتند. سپاه بنی چری، در ارتش عثمانی، نمونه یک لشکر کامل و تاریخی به شمار می‌رفت، تا اینکه سلطان محمد دوم در سال ۱۸۲۶ میلادی، آنها را قتل عام کرد و به قدرتش پایان بخشید.